



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۹/۱۷

ملک الشعراء محمد نسیم اسپر

سرمه های آزموده!!

تبصره شاعر: این معروضه و سروده غم انگیز را در حمل سال ۲۰۱۵ با ملاحظه در بدری ها و نابسامانی های وطن بعد از تشکیل حکومت دو منزله در کابل سروده بودم و امروز که نزدیک به سه سال از آن زمان گذشته است و هنوز هم کشور در همان حال فلج سیاسی و پراگندگی به سر می برد و روزنه امیدی در افق خونین آن پیدا نیست، آنرا در وبسایت ملی و مردمی (آریانا افغانستان آنلاین) مجدداً به نشر میگذارم. نسیم اسپر ۲۰۱۷/۰۹/۱۷

با حرمت و احترام به مقام والا و مقدس مجاهد، خاصه مجاهد پاک، بی آلایش، صادق به وطن که جان های عزیز خود را صادقانه و عاشقانه در راه حفظ آزادی، نوامیس ملی و افتخار وطن قربان و در گمنامی به حق پیوستند و امروز کسی از ایشان یاد نمی کند، می خواهم سروده ای را که در گرما گرم یخن دریدن های تنظیمی سروده شده است به یاد آن روز های تاریک به دست نشر بسپارم.

در جایی نوشته بودم که من و دوستانی به سن و سال من، تاریخ زنده هفتاد و چند سال اخیر هستیم که با شکفتن هر گل در وطن می شکفتیم و با ریختن هر برگ از درخت، سراپا می لرزیدیم و امروز هم با وجود دوری از وطن، با حوادث آن پیوند ناگسستگی داریم. متأسفانه قسمی که انتخابات و تعیین رئیس جمهور، طولانی و پر جنجال بود، اینک کابینه زیر نام وحدت ملی هم، جنجال برانگیز تر شده است، بخصوص که فیل امیر صاحب اسمعیل خان کنجاره خواب دیده یاد هندوستان می کند.

با روی کار آمدن دولت تنظیمی «من با خود داری از اهانت به مقام والای مجاهد، اصلاً دولت مجاهدین نمی گویم» که هر عضو آن به فرمان برداری از کسی و دستگاهی، بیرون از سرحد وابستگی داشت، به فرمان روایی گماشته شده بود.

در دوران فرمان روایی تنظیمی، این فاجعه به سطح ملی و بین المللی از دیده ها دور نماند که سرمایه های مادی و معنوی مردم از بنیاد ویران شد و خائنانه ترین اعمال چون دزدی، قتل، غارت، تجاوز بر نوامیس مردم، غصب دارائی های ملی، ویرانی آثار تاریخی، میخ کوبیدن در سرها، رقص مرده و. و. هزاران بدعت غیر انسانی و

اهتمام: ولی احمد نوری

اسلامی در برابر مردم صورت گرفت و اینک امیر صاحب که به یقین غم خود و گماشتگان خود را می خورد، با ادعای کاذب بی نظمی و قیام های دو ماه بعد راهم پیش بینی می کند. این ها از جمله امیر صاحب ادعا دارند که به مجاهدین راه حق «منظور همان آدم کشان تنظیمی است»، چرا در دولت راه و جاه داده نمی شود. به عقیده من بهتر است این آقا را چند گاهی خانه نشین و تحت نظارت بگیرند تا ازین بلند پروازی ها، باز مصیبت بیست و سه سال پیش را بار نیاورد و شهر ها را به خون نکشد. اینک شعری که بی کفایتی های عام و تام تنظیم داران بی نظم را نشان می دهد به حضور شما خوانندگان و هموطنان نجیب تقدیم می کنم تا از طرف من جوابی باشد به امیر صاحب محمد اسمعیل خان [و امروز (۲۰۱۷) به امیر صاحب تازه وارد دیگر در پایتخت و تنظیمی هایی که میخوانند دوباره به چور و ویرانی آغاز کنند] و پیروان شان:

فرمان برداری تا فرمان روایی!!

مرد میدان دیگر و طفل دبستان دیگر است
ای بکنگ و دشمنی برخاسته، هشیار باش
برق سوزان دیگر و شمع شبستان دیگر است
شاخ آفت دیده این باغ، ویران گشته را
چاره غم های این قوم پریشان دیگر است
در هوای صلح، راه جنگ پیمودن خطاست
صرصر باد صبا تا خشم طوفان دیگر است
حافظ جان دیگر و بگذشتن از جان دیگر است
نظم و نسق جامعه در حلقه تنظیم نیست
راه فرمانبر دگر، تطبیق فرمان دیگر است
خامه بر کف داشتن، یا تیغ در صف داشتن
ای طبیب حاذق آخر چشم بگشا و ببین
درد مردم دیگرست و شکل درمان دیگر است
ما به زیر سایه اسلام بدعت می کنیم
کفر می خیزد اگر گویم، مسلمان دیگر است
آیه «لاتفرقوا» خوانیم و با هم دشمنیم
کرده ما دیگر و ارشاد قرآن دیگر است

جان و دل میسوزد از بی اتفاقی ها (اسیر)

بسکه میگویند هر قومی ز افغان دیگر است

۲۰۱۵/۰۱/۲۰